بیانات در دیدار دست‌اندرکاران کنگره مرحوم آیت‌الله حاج شیخ غلامرضا یزدی (فقیه خراسانی) - 20 /اردیبهشت/ 1397

بسم الله الرّحمن الرّحیم (۱)

یکی از کارهای خیلی خوبی که آقایان یزدی‌ها دارند انجام میدهند، همین بزرگداشت مرحوم حاج شیخ غلامرضا یزدی است. این بزرگوار جزو برجستگانی است که کمتر شناخته شده‌اند، کمتر درباره‌ی ایشان صحبت شده و حرف زده شده ؛ با اینکه مرحوم حاج شیخ غلامرضا خیلی برجسته است. بیانات جناب آقای ناصری -که نوه‌ی دختری مرحوم حاج شیخ غلامرضا هستند- خیلی بیانات خوبی بود ؛ برای من هم تازه بود و خیلی‌هایش را راجع به مرحوم حاج شیخ غلامرضا نشنیده بودم. حقش است که این خصوصیّات و این خاطرات که از زبان نزدیکان و خانواده و متّصلین به آن مرحومین و بزرگانِ گذشته نقل میشود، ثبت بشود حتّی با سند ؛ یعنی سندش را هم ذکر کنید. حالا مثلاً نقل کردید (۲) که آقای بروجردی این جمله را گفته، خب سند این را بگویید که مرحوم آقای بروجردی کجا این حرف را زده‌اند یا مرحوم آقای بهجت کجا این مطلب را مثلاً بیان کرده‌اند ؛ اینها را مشخّص کنید که اتقانی پیدا کند. البتّه این حرفهایی که مربوط به وضع ایشان در نجف و رسیدگی به طلاب و این کارهای اخلاقی عجیب‌وغریب [است]، چیزهایی است که متنش نشان‌دهنده‌ی صحّت این قضیّه است، خیلی هم احتیاج به سند ندارد ؛ آدم میفهمد که راست است و همین‌جور است.

بنده البتّه مرحوم حاج شیخ غلامرضا (رضوان‌الله‌علیه) را یک بار در مشهد زیارت کرده بودم ؛ ایشان گاهی اوقات می‌آمدند مشهد و در یک گوشه‌ای از صحن نو نماز جماعت میخواندند ؛ ایوانی بود که بین صحن نو و موزه بود که حالا رواق امام خمینی است ؛ در آن ایوان کسی نماز نمیخواند، محلّ نماز نبود ؛ گاهی اوقات دیده بودم مرحوم حاج شیخ غلامرضا تابستانها می‌آمدند آنجا و در آن ایوان یک نماز جماعت کوچک چند نفری [میخواندند] ؛ مثلاً ده پانزده نفر از مریدها و علاقه‌مندهایی که ایشان را می‌شناختند، میرفتند آنجا با ایشان نماز میخواندند. [فقط] همین اندازه، ما بیشتر از این ایشان را درک نکردیم، زیارت نکردیم. لکن درباره‌ی ایشان چیزهای زیادی شنفتیم ؛ همان چیزهایی که مرحوم آقانجفی قوچانی نقل میکند، کافی است ؛ یعنی همین شرح حالی که مرحوم آقانجفی قوچانی نوشته که از مشهد راه می‌افتند و با این «رفیق یزدی» -تعبیر میکند از ایشان به «رفیق یزدی»- و میروند اصفهان و چند سال اصفهان میمانند و بعد از آنجا میروند نجف و در نجف هم مدّتی با هم بودند، بعد بینشان جدایی می‌افتد ؛ یعنی ایشان میرود درس مرحوم آمیرزا محمّدباقر اصطهباناتی (۳) و علاقه‌مند [میشود] به آن بزرگوار ؛ مرحوم آقانجفی میرود درس آخوند و عاشق آخوند [میشود] ؛ از این جهت بینشان اختلاف می‌افتد. در قضیّه‌ی مشروطه هم بینشان اختلاف می‌افتد ؛ مرحوم اصطهباناتی مخالف با مشروطه بود ؛ مرحوم آخوند هم که خب پیشرو مشروطه بود ؛ [لذا] اینها با هم اختلاف پیدا میکنند. لکن همان مقداری که ایشان راجع به رفیق یزدی و حرکت طولانی پیاده‌ای که از مشهد راه افتادند، تا خودشان را رساندند اصفهان و بعد از آنجا به نجف [رفتند]، ذکر میکند کافی است که نشان بدهد که جوانهای آن روز برای تحصیل علم و رساندن خود به سرچشمه‌ی معلومات، چه مجاهدتهایی را انجام میدادند، چه زحمتهایی را متحمّل میشدند، چه کارهایی میکردند و چه تقوایی را رعایت میکردند ؛ در دوره‌ی جوانی آن‌جور باتقوا ؛ و بعد هم خب ایشان با مرحوم اصطهباناتی به شیراز می‌آیند، تا اینکه مرحوم اصطهباناتی ترور میشوند و به شهادت میرسند و بعد ایشان می‌آیند یزد ساکن میشوند و این خدماتی را که جناب آقای ناصری نقل کردند، در یزد انجام میدادند و محلّی برای پراکندن علم و تقوا و زهد و توکل به خدای متعال و خدمت به مردم و یک چنین چیزهایی [بودند]. این نکته‌ای که ایشان ذکر کردند در مورد رسیدگی به فقرای زردشتی و کلیمی یزد، خیلی نکته‌ی مهمّی است ؛ خیلی چیز مهمّی است ؛ یک روحانیِ باتقوایِ مقدّسی مثل مرحوم حاج شیخ غلامرضا، برود نان و آرد و غذا بگذارد

در خانه‌ی مثلاً فرض کنید که یهودی به‌خاطر اینکه او فقیر است ؛ اینها خیلی مهم است. امروز در دنیا این چیزها وجود ندارد، یعنی در دنیای مادّی این حرفها مهجور است، این را اسلام به پیروان خودش تعلیم میدهد ؛ هرکسی هم که با اسلام بیشتر مأنوس است، این‌جور حرکتی را بیشتر انجام میدهد ؛ اینها را بدانند، بفهمند. این آدم یهودی است و به خدا و پیغمبر و قرآن و دین ما هیچ اعتقادی ندارد امّا صِرف اینکه فقیر است و احتیاج به کمک دارد و انسان است -همان «وَ اِمّا شَبیهٌ لَکَ فِی الخَلق» (۴) که امیرالمؤمنین (علیه‌السّلام) میفرمایند- موجب میشود که ایشان برود این خدمات را انجام بدهد ؛ اینها امروز خیلی باارزش است، درس است ؛ اینها باید تدوین بشود، باید حفظ بشود و ان‌شاءالله برای نسل روبه‌رشدِ ما درس باشد.

امروز جوانهای ما در معرض تبلیغات مضر هستند ؛ این را ما قبول داریم ؛ این واقعیّتی است. از روزنه‌های مختلف صدا می‌آید، صداهای گمراه‌کننده به گوش میرسد، و این جوان در این وسط میدان، مُحاطِ (۵) به این صداها و به این تصویرهای فریبنده و اغواگر است ؛ احتیاج دارد به اینکه یک شاخصی به او نشان داده بشود. این شاخص را جمهوری اسلامی و نظام اسلامی میتواند نشان بدهد ؛ حالا یک نمونه‌اش همین بزرگانند، و نمونه‌های دیگری هم دارد. خوشبختانه این را باید توجّه کرد که وقتی ما از امکان انحراف نسل جوان میگوییم، از ظرفیّت و امکان هدایت و رویش نسل جوانِ مؤمن هم بگوییم ؛ امروز در نظام ما این‌جوری است. شما ببینید ؛ همین شهید عزیزی که اخیراً به شهادت رسید -شهید حُجَجی- (۶) یک جوان از همین جوانهای امروز است، او هم یک جوانی است در سنّ ۲۵ سالگی ؛ یعنی همین اینترنت و همین کانالهای اجتماعی و همین روزنه‌های اغواگر صوتی و تصویری و همه‌جوری، این جوان را هم احاطه کرده، مثل هزاران جوان دیگری که احاطه کرده، امّا او این‌جوری از آب درمی‌آید. خدای متعال امروز البتّه شهید حُجَجی را مثل یک حجّتی در مقابل چشم همه گرفت امّا زیادند کسانی که این احساس، این انگیزه، این ایمان در آنها وجود دارد. این رویشهای جدید انقلابی و اسلامی را نباید دستِ‌کم گرفت، اینها خیلی باارزشند، قدرشان را باید دانست. به بنده نامه‌هایی نوشته میشود از طریق [واحد] ارتباط مردمی، برای حضور در جبهه‌های جنگ ؛ جبهه‌ی جنگ در کجا؟ در سوریه، در حلب! همین‌طور مدام نامه مینویسند، التماس میکنند ؛ بعضی‌ها خودشان التماس میکنند، بعضی‌ها والدینشان التماس میکنند که «جوان ما خیلی بی‌تابی میکند، شما اینها را بفرستید». اینها پدیده‌های باورنکردنی است ؛ یعنی واقعاً اگر اینها را برای ما از یک زمان دیگر نقل میکردند و خودمان ندیده بودیم، به‌آسانی حاضر نبودیم اینها را باور کنیم ؛ امّا در زمان ما دارد اتّفاق می‌افتد. این چه عاملی است که این جوان را وادار میکند که عشق به جهاد و عشق به دفاع از ارزشها، او را از زن و زندگی و خانواده و بچّه و پدر و مادر و راحتی و شغل و همگی بِکند و بفرستد به هزارها کیلومتر آن‌طرف‌تر و خارج از مرزهای کشور برای مبارزه‌ی با دشمن؟ اینها را نباید ندیده گرفت. حالا چون اسم مفاخر فرهنگی را آوردند، آقایان و وزیر محترم ارشاد (۷) هم اینجا حضور دارند، [لازم است] سفارش بکنم آقایانی که دستی در کار ارشاد و مسائل فرهنگی و مانند آن دارند به این نکته توجّه کنند که امروز مهم‌ترین وظیفه‌ی ما تقویت این روحیّه در جوانها و در نسل جوان است. ما اگر طرف‌دار اخلاقیم، باید همین روحیّه‌ی انقلابی را در آنها تقویت کنیم. اخلاق را هم به برکت روحیّه‌ی دینی و انقلابی میشود در جوانها تأمین کرد ؛ اخلاقِ بدون دین، اخلاقِ بدون تقوا، اخلاقِ بدون روحیّه‌ی انقلابی و حرکت جهادی و میل به جهاد در راه خدا، نه پدید می‌آید و نه منعقد میشود، اگر هم منعقد بشود عمقی ندارد. ما باید امروز تلاشمان را مصروف تربیت دینی و تربیت انقلابی جوانها بکنیم و این جریان عظیم نیروی انقلاب را هم که خوشبختانه در بین جوانها هست، تقویت بکنیم ؛ بهشان امید بدهیم، بهشان پشتیبانی بدهیم و این جریان را تقویت بکنیم. این‌جور نباشد که جریان انقلابی تضعیف بشود، جریان مقابل آنها تقویت بشود ؛ این نباید اتّفاق بیفتد ؛ نه در محیط دانشگاه، نه در محیط تبلیغات دینی، نه در محیط فرهنگی و امثال اینها.

به‌هرحال خیلی خوشوقتیم از اینکه بحمدالله این بزرگان دینی ما، مثل مرحوم حاج شیخ غلامرضا یزدی، از گوشه‌ی انزوای تاریخی دارند خارج میشوند. واقعاً اینها در خبایای (۸) تاریخ و زوایای تاریخ منزوی‌اند ؛ جز یک عدّه‌ی

معدودِ کمی، کسی اینها را نمی‌شناسد ؛ اینها را از این زاویه خارج کنید و معرّفی کنید و چهره‌های اینها را به مردم نشان بدهید. اینها خورشیدند، اینها نورانی‌اند ؛ وقتی‌که معرّفی بشوند، تابش اینها یک عدّه‌ی زیادی را ان‌شاءالله هدایت خواهد کرد. منتها، هم برادران همدانی که برای مرحوم آقای آقانجفی میخواهند بزرگداشت بگیرند، (۹) هم برادران یزدی که برای مرحوم حاج شیخ غلامرضا میخواهند بزرگداشت بگیرند، توجّه کنند به حُسن سلیقه و کار را هنرمندانه و خردمندانه از آب درآوردن ؛ گاهی اوقات زحمت را میکشیم امّا کار، آن‌چنان‌که بتواند مؤثر باشد از آب درنمی‌آید ؛ این نشود. هرچه ممکن است فکر کنید، کار را هوشیارانه، هوشمندانه، خردمندانه و هنرمندانه و با هنر از آب دربیاورید که ان‌شاءالله بتواند مؤثر باشد.

والسّلام علیکم و رحمةالله و برکاته

۱) در ابتدای این دیدار -که در چهارچوب دیدارهای دسته‌جمعی برگزار شد- آیت‌الله شیخ محمّدرضا ناصری‌یزدی (نماینده‌ی ولیّ‌فقیه و امام جمعه‌ی یزد) و آقای سیّدمحمّد میرمحمّدی (استاندار یزد) مطالبی بیان کردند.
۲) نماینده‌ی ولیّ‌فقیه و امام جمعه‌ی یزد، جملاتی از بزرگان درباره‌ی مرحوم حاج شیخ غلامرضا یزدی را نقل کرده و برخی از حالات و نقل‌ها درباره‌ی ایشان را بیان کردند.
۳) آیت‌الله محمّدباقر اصطهباناتی شیرازی
۴) نهج‌البلاغه، نامه‌ی ۵۳ (با اندکی تفاوت)
۵) احاطه‌شده
۶) شهید محسن حُجَجی از نیروهای مدافع حرم بود که در مرداد ماه سال جاری در منطقه‌ای مرزی بین سوریه و عراق به اسارت نیروهای داعش درآمد و پس از دو روز به دست آنها به طرز فجیعی به شهادت رسید.
۷) آقای سیّدعبّاس صالحی (وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی) در جلسه حضور داشت.
۸) جاهای پنهان و پوشیده
۹) جمعی از دست‌اندرکاران برگزاری همایش «حوزه‌ی انقلابی و بزرگداشت بیستمین سالگرد رحلت عالم انقلابی و مفسّر قرآن حضرت آیت‌الله آقانجفی همدانی» در جلسه حضور داشتند.